

جلسه‌ی سوم

(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

(آنچه گذشت)

در جلسات گذشته گفتیم:
(قرآن، سفرنامه‌ی انسان است)

مسیر انسان،
و چگونگی پیمودن این مسیر را بیان می‌کند.
(جنبه‌های مختلف شخصیت انسان) را
در راستای **(سعادت یا شقاء)** معرفی می‌کند.

قرآن، میزانی را در اختیار می‌گذارد تا
هرکس جایگاه خود را بیابد که آیا:

(موسی است یا فرعون) / (ابراهیم است یا نمرود)
(هارون است یا قارون) / (ملک است یا شیطان)

و خلاصه این که (سعید است یا شقی)

قرآن کریم در آیاتی از قبیل
(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

بیان می‌کند:

(سیر انسان) برای عبور از (أَسْفَلَ سَافِلِينَ)،
و صعود و بازگشت به (أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ)
در چرخه‌ی (ایمان و عمل صالح) است.

و اعلام می کند که:
(سیر انسان صعودی است)

و اگرچه این الله تعالی است که
(انسان را به سوی درجات سیر می دهد)
(اما عامل بالا بردن، ایمان و علم است)

در قدم سوم، روشن می‌کند که چگونه،
(ایمان و علم در درجات، بالا می‌برند)

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)
(وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

سیر انسان،

در (چرخه‌ی علم و عمل) رخ می‌دهد،
نقطه‌ی آغازین سیر، (علم) است.

(علم) همان (کلمات طیب یا خبیث)،

است که مسیر انسان را به سوی

(سعادت یا شقاء)، رقم می‌زند.

(تعهد) به (کلمات طیب)،

همان (ایمان) است.

و نتیجه‌ی (تعهد) به

(کلمات طیب) یا (ایمان)

(عمل صالح) است.

(تعهد) به (کلمات طیب) یا (ایمان)،
انسان را به (عمل صالح) دعوت می‌کند.

در قدم بعدی،
(عمل صالح) با (جان انسان) ممزوج می‌شود.

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)

از (صعودی بودن سیر)، سخن می گوید.

(وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

از نقش (عمل صالح)

در (صعود کلم طیب) پرده برمی دارد.

و این چرخه دائماً رو به سوی کمال دارد.
از (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح)
به (عمل صالح)

و از (عمل صالح)
به (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح دیگر)

(ادامه‌ی سخن)

تا این قسمت از بحث، روشن شد که:

(سیر انسان صعودی است)

و الله تعالی

(انسان را به سوی درجات سیر می‌دهد)

(اما عامل بالا بردن، ایمان و علم است)

حال به یک دسترسی دیگر توجه فرمایید!

خداوند تعالی در (سوره‌ی طه آیه‌ی ۷۵)،
می‌فرماید:

(وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ)
(فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى)

(وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ)

کسی که به حضور پروردگار می‌رسد،
در حالی که:

(مؤمنی است که اعمال صالح انجام داده است)

(فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى)

چنین انسانهای والامقامی،
صاحبان درجات عالی هستند.

آیهی شریفه، به سیر انسان در
(چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)
اشاره می‌کند:

کسی که به حضور پروردگار می‌رسد، در حالی که:
(مؤمنی است که اعمال صالح انجام داده است)
چنین انسانهای والامقامی،
صاحبان درجات عالی هستند.

تصور ما با شنیدن تعبیرِ
(فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى)

این است که:

(مؤمن دارای اعمال صالح)

(صاحب درجات است)

در این نگاه،
(مؤمن) مؤمن است،
و (درجات) درجات،

و گویا (درجات) نردبانی است که:
(مؤمن) از آن بالا می‌رود.

این نگاه که گویا
(درجات) نردبانی است که:
(مؤمن) از آن بالا می‌رود؛
نگاه درستی است،
و ما به دنبال نفی آن نیستیم.

اما با دقت در برخی از آیات دیگر قرآن کریم،
(عمق دیگری از این گفتگو) آشکار می‌شود.

خداوند تعالی
در (سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۶۳)،
در بیانی متفاوت و عجیب می‌فرماید:

(هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ)

دسترسی عجیبی که در تعبیرِ
(هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ) است،
این است که آیه می‌فرماید:

(خودِ ایشان درجات هستند)

بین این دو تعبیر،
تفاوت بسیاری وجود دارد که:

(فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى)
(برای ایشان درجات هست)

یا (هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ)
(خود ایشان درجات هستند)

پیام (هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ) این است که:

این (درجات)

مانند درجات دنیا مکانی و اعتباری،

و از جنس پست و مقام نیستند.

بلکه با (جان مومنان) ممزوج می‌شوند،

و اصولاً (خود ایشان درجات هستند)

به تعبیر دیگر،
پیام **(هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ)** این است که:

این **(درجات)** حقایق هستند که:
(مومنان) به آن حقایق مُتَّصِف می‌شوند.
داستان، داستان سیر است، و **(مؤمن)**،
در **(چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)** سیر می‌کند،
و دائماً در این چرخه، **(مُتَّحَوِّل)** می‌شود.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

(مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَّثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

(کسی که به علم خود عمل کند)

(خداوند او را وارث آنچه نمی‌داند، می‌کند)

سرّ این بیان نورانی این است که:

انسان دائماً

(با هر عملی که انجام می‌دهد)

در حالِ

(خلق حقایقی در درون جان خویش است)

عمل متوقف بر **(پوسته‌ی ظاهری)** نیست،
بلکه هر عملی، دارای **(روح و باطن است)**،
(روح و باطنی) که:

(با جان عمل کننده ممزوج می‌شود)

برای روشن شدن این جمله که:

(روح و باطن عمل)

(با جان عمل کننده ممزوج می شود)

به یک (کلید واژه‌ی قرآنی)

توجه بفرمایید!

(کلید واژه‌ی قرآنی عجیب)
(المصیر)

یکی از (کلید واژه‌های قرآنی عجیب)
کلمه‌ی (المصیر) است.

کلمه‌ی (المصیر)
(۲۳ مرتبه) در قرآن کریم به کار رفته است.
وقتی به این ۲۳ مورد توجه می‌کنیم،
متوجه نکته‌ی جالبی می‌شویم.

در ۱۱ مورد کلمه‌ی (المصیر)
به همراه فعل (بِئْسَ) به کار رفته است.

به این موارد توجه کنید!

(وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ)
(وَ بِيُسِّ الْمَصِيرِ)

(سورهی بقره آیهی ۱۲۶)

أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ
(وَ مَاوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بِيُسِّ الْمَصِيرِ)

(سورهی آل عمران آیهی ۱۶۲)

(وَمَا أُوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی انفال آیهی ۱۶) / (سورهی توبه آیهی ۷۳)

(وَمَا أُوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی آل عمران آیهی ۱۶۲)

(ذَلِكُمْ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا)

(وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی حج آیهی ۷۲)

(وَمَا أُوَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی انفال آیهی ۱۶) (سورهی تحریم آیهی ۹)

(وَمَا أُوَاهُمُ النَّارُ وَ لَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(وَمَا أُوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی نور آیهی ۵۷)

(مَا أُوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی حدید آیهی ۱۵)

(حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی مجادله آیهی ۸)

(وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ)

(خَالِدِينَ فِيهَا وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی تغابن آیهی ۱۰)

(وَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ)

(سورهی ملک آیهی ۶)

در تمامی این ۱۱ مورد

تعبیر (بِئْسَ الْمَصِيرُ)

یا برای (نار) و یا برای (جهنم)

به کار رفته است.

(وَمَا أُوَاهُمُ النَّارُ وَ لَبِئْسَ الْمَصِيرُ)
(وَمَا أُوَاهُ جَهَنَّمَ وَ لَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

در ۱۲ مورد هم کلمه‌ی (المصیر)
به صورت (وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)
یا (إِلَيْهِ / إِلَيَّ / إِلَيْنَا وِ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)
به کار رفته است.

به این موارد توجه کنید!

(عُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)

(سورهی بقره آیهی ۲۸۵)

(وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)

(آل عمران آیهی ۲۸ / نور آیهی ۴۲ / فاطر آیهی ۱۸)

(وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا)

(وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ)

(سورهی مائده آیهی ۱۸)

(وَإِلَى الْمَصِيرِ)

(سورهی حج آیهی ۴۸) (سورهی لقمان آیهی ۱۴)

(وَإِلَيْهِ الْمَصِيرِ)

(سورهی غافر آیهی ۳) (سورهی شوری آیهی ۱۵)

(إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرِ)

(سورهی ق آیهی ۴۳)

(رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)

(سورهی ممتحنه آیهی ۴)

(خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ)

(وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ)

(سورهی تغابن آیهی ۳)

با بررسی معنای کلمه‌ی (مصیر)
نتیجه‌ی شگفت‌انگیزی به دست می‌آید.

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،

ج ۶، ص: ۳۷۸

در تحلیل کلمه‌ی (مصیر) می‌گویند:

الأصل الواحد في هذه المادة (ص-ي-ر):
هو التحوّل الى حالة ثانويّة متأخرة طولاً.

اصل و ریشه‌ی واحد در ماده‌ی (ص-ی-ر)،
(تحوّل به شکل دیگر در طول زمان) است.

در لغت عرب (صار) به معنای
(گردیدن و متحول شدن) است مانند:

صار الخشب رماداً

<--

چوب به خاکستر تبدیل شد.

(مصیر)

(مصدر میمی یا اسم زمان یا اسم مکان) است؛

در نتیجه:

به سه معنای

(دگرگون شدن / زمان دگرگونی / مکان دگرگونی)

به کار می‌رود.

از این گفتگو درباره‌ی (مصیر) روشن می‌شود:

تعابیر (و مَاوَاهُمُ النَّارُ وَ لَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

(و مَاوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ)

یا (إِلَى اللَّهِ / إِلَيْهِ / إِلَيْنَا و إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)

بیانگر یک حقیقت شگفت‌انگیز است.

این تعابیر بیانگر این حقیقت است که:

(سیر انسان)

از جنس (صیورت و دگرگونی است).

انسان در هر لحظه‌ای که بر او می‌گذرد،

و در هر حرکت و سکونی،

در حال (دگرگون شدن) است.

سرّ این داستان همان است که گفتیم:
(روح عمل با جان انسان ممزوج می‌شود)

انسان در هر لحظه‌ای که بر او می‌گذرد،
و در هر حرکت و سکونی، در حال (دگرگون شدن)،
و خلق جهانی تازه در درون خویش است.

(جهانی متناسب با روح عمل)

این (دگرگون شدن)،

به سوی دو غایت در حرکت است:

(النَّارُ يَا جَهَنَّمَ)

یا (إِلَى اللَّهِ / إِلَيْهِ / إِلَيْنَا و إِلَيْكَ)

و این (سیر)
از جنس (زمان و مکان) نیست،
بلکه از جنس (دگرگون شدن و تحوّل) است.

یا (آتش و جهنم شدن) است؛
و یا (الهی شدن) است.

آیات بیست گانه،
دلایل (سیر و دگرگون شدن)،
به سوی (النَّارُ یا جَهَنَّمَ) یا (إِلَى اللَّهِ)
را یک سلسله اعمال معرفی می کنند.

بررسی این اعمال را
به جلسه‌ی آینده موکول می‌کنیم.

پایان جلسه‌ی سوم

(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر
بازآ که ریخت بی گل رویت بهار عمر
از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست
کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر
این یک دو دم که مهلت دیدار ممکن است
دریاب کار ما که نه پیدا است کار عمر
تا کی می صبوح و شکرخواب بامداد
هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر

دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد
بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر
در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهیست
زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر
بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار
روز فراق را که نهد در شمار عمر
حافظ سخن بگوی که بر صفحه جهان
این نقش ماند از قلمت یادگار عمر